

## بررسی رابطه سهامداران کنترلی و اجتناب مالیاتی با توجه به نقش تعدیلی مالکیت خانوادگی و کمیته حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۱/۸

تاریخ پذیرش: ۹۷/۶/۱۰

علیرضا معطوفی<sup>۱</sup>

آزیتا پورداداشی<sup>۲</sup>

### چکیده:

اگرچه مالیات نقش حیاتی در درآمد دولت‌ها ایفا می‌کند اما مودیان مالیاتی برای پرداخت کمتر مالیات به شیوه‌های مختلفی همچون برنامه‌ریزی مالیاتی، اجتناب مالیاتی و فرار مالیاتی روی آورده‌اند. از میان این روش‌های شناخته‌شده اجتناب مالیاتی به دلیل سوءاستفاده از خلاءهای قانونی و غیرقانونی بودن بیشتر مورد پسند و استفاده قرار گرفته است. از این‌رو، هدف این پژوهش بررسی رابطه سهامداران کنترلی و اجتناب مالیاتی با توجه به نقش تعدیلی مالکیت خانوادگی و کمیته حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است. در این مطالعه صورت‌های مالی ۵۹۰ سال - شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در طی سال‌های ۱۳۹۱ الی ۱۳۹۵ مورد بررسی قرار گرفت. نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش با استفاده از مدل رگرسیون چند متغیره حکایت از آن دارد که اثر تعدیلی مالکیت خانوادگی و کمیته حسابرسی، تأثیر منفی و معنادار سهامداران کنترلی بر اجتناب مالیاتی را تقویت می‌کنند. **واژگان کلیدی:** سهامدار کنترلی، اجتناب مالیاتی، مالکیت خانوادگی، کمیته حسابرسی.

۱- استادیار، گروه حسابداری، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران. نویسنده مسئول. پست الکترونیک: alirezamaetoofi@gmail.com

۲- دانشجوی دکتری، گروه حسابداری، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران.

## ۱. مقدمه:

در اکثر کشورها، بخش عمده‌ای از منابع درآمدی دولت از طریق مالیات تأمین می‌شود. در این میان، اجتناب و فرار مالیاتی باعث شده است تا درآمدهای مالیاتی کشورها همواره از آنچه برآورد شده است، کمتر باشد (حمیدیان، ۱۳۹۶). از آنجایی که اجتناب‌مالیاتی، فعالیتی به‌ظاهر قانونی است به‌نظر می‌رسد، بیشتر از فرار مالیاتی در معرض دید باشد (خانی و همکاران، ۱۳۹۲). با توجه به آن که هزینه مالیات، سود شرکت‌ها را کاهش می‌دهد، بسیاری از شرکت‌ها به‌میزان زیادی فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات را با هدف کاهش درآمد مشمول مالیاتشان به‌کار می‌برند (نور و دیگران<sup>۳</sup>، ۲۰۱۰). در نتیجه اجتناب از پرداخت مالیات، در حال تبدیل شدن به نگرانی اصلی دولت‌ها می‌باشد (گراویل<sup>۴</sup>، ۲۰۰۹).

مک‌گایر و همکاران<sup>۵</sup> (۲۰۱۲) معتقدند، اگرچه مزایای اجتناب‌مالیاتی دقیقاً مشخص نیست، اما منجر به صرفه‌جویی در مخارج مالیات و به‌طور بالقوه کاهش خروج جریان نقدی شرکت می‌شود. اجتناب‌مالیاتی دارای پیامدهای بالقوه مستقیم و غیرمستقیم بسیاری می‌باشد. کاهش هزینه‌مالیاتی، افزایش جریان نقدی و افزایش ثروت سهامداران از جمله پیامدهای مستقیم و کاهش پناهگاه‌های مالیاتی و احتمال وضع مالیات بیشتر و در نظر گرفتن جرائم مالیاتی و فشار احتمالی دولت برای در نظر گرفتن مالیات بیشتر از این بنگاه‌ها، کاهش مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و به تبع آن کاهش ارزش شرکت، از جمله پیامدهای غیرمستقیم فعالیت‌های اجتناب‌مالیاتی می‌باشند (هانلون و هیتزمن<sup>۶</sup>، ۲۰۱۰). کرمی و همکاران (۱۳۹۵) نشان دادند، اگر اجتناب‌مالیاتی یک فعالیت ارزشمند باشد، مالکان می‌توانند انگیزه بالایی برای انجام آن داشته باشند. پدیده اجتناب‌مالیاتی می‌تواند ارزشمند باشد و اگر مالکان بتوانند زمینه‌های انگیزشی لازم را در مدیران ایجاد کنند تا آن‌ها با برنامه‌ریزی‌های مالیاتی صحیح، تصمیمات اثربخش مالیاتی اتخاذ کنند، ارزش شرکت افزایش و در نتیجه ثروت سهامداران افزایش خواهد یافت (هانلون و هیتزمن، ۲۰۱۰). ولی در شرکت‌ها به‌طور معمول، سهامداران انتظار دارند، مدیران به‌دنبال منافع شخصی خود باشند و تا مادامی که منافع اضافی حاصل از کاهش بدهی‌های احتمالی بیشتر از هزینه‌های اضافی مورد انتظار برای آن‌ها باشد، به‌دنبال کاهش بدهی‌های احتمالی و اجتناب‌مالیاتی باشند (مصلی‌نژاد و حسنی، ۱۳۹۶).

برندل<sup>۷</sup> (۲۰۰۶) معتقد است، سهامداران در مقابل سرمایه‌گذاری خود باید حقوق مالکیت دریافت کنند. این حقوق می‌تواند به دو دسته تقسیم شود، دسته اول حقی است که از جریان‌های نقدی به‌دست می‌آید و دسته دوم حقی است که به‌واسطه حق رأی حاصل می‌شود. حقوق دسته دوم را حق کنترل می‌نامند و سهامدارانی که این حق را دارند به‌عنوان سهامداران کنترلی شناخته می‌شوند.

3. Noor et al.

4. Gravile

5. McGuire et al.

6. Hanlon and Heitzman

7. Breandle

وانگ و همکاران<sup>۸</sup> (۲۰۱۰) بیان می‌کنند، حضور سهامداران کنترلی به دلیل حق کنترل می‌تواند فرصت اقدامات سودجویانه مدیران را کاهش دهد. به علاوه، ضمن کاهش هزینه‌های نمایندگی قادر به کاهش انحراف منافع مدیران می‌باشد. کانگ و همکاران<sup>۹</sup> (۲۰۱۴) نشان دادند، سهامداران بزرگ بر خلاف سهامداران کوچک که علاقه چندانی به استفاده از حق رای خود ندارند، به‌وسیله حق رأی شرکت را کنترل می‌نمایند. مارسپا و همکاران<sup>۱۰</sup> (۲۰۱۶) معتقدند، باتوجه به این که حق کنترل سهامداران با توجه به میزان سرمایه‌گذاری واقعی آن‌ها در شرکت‌ها مشخص می‌شود، اما این مساله می‌تواند مشکلات تئوری نمایندگی را کاهش دهد. فرایز و همکاران<sup>۱۱</sup> (۲۰۰۸) بیان می‌کنند، سهامداران کنترلی به‌عنوان یکی از مولفه‌های حاکمیت شرکتی به شمار می‌روند و آن‌ها نقش موثری در کارایی اطلاعاتی بازار سرمایه دارند. کامیابی و همکاران (۱۳۹۵) نشان دادند، در کشورهایی که سیستم حاکمیت شرکتی درون‌سازمانی در آن‌ها حاکم است حقوق کنترلی بیش از حقوق جریان نقدی مطرح است. از این رو، حق رای می‌تواند نقش پررنگ‌تری در کنترل و اداره شرکت داشته‌باشد. بادرتچر و همکاران<sup>۱۲</sup> (۲۰۱۳) معتقدند، شرکت‌ها با حضور بیشتر سهامداران کنترلی، تمایل کمتری به اجتناب‌مالیاتی دارند. این نظر هم‌راستا با پژوهش فاما و جنسن<sup>۱۳</sup> (۱۹۸۳) می‌باشد که استدلال نمودند، هرچه سهامداران کنترلی افزایش یابند، شرکت محتاطانه‌تر رفتار خواهد کرد. مارسپا و همکاران (۲۰۱۶) بیان می‌کنند، حتی اگر مدیریت از حق کنترل بالایی برخوردار باشد اما انگیزه کمی برای انجام اجتناب از مالیات داشته‌باشد، صرفه‌جویی مالیاتی از طریق اجتناب‌مالیاتی رخ نمی‌دهد.

مطابق با ادبیات پژوهش مالکیت خانوادگی مشکلات نمایندگی بین مالکان و مدیران را کاهش می‌دهد (زیرا اعضای خانواده خود مالک و مدیر هستند) (آلمیدا و ولفوزن<sup>۱۴</sup>، ۲۰۰۶). در شرکت‌های خانوادگی عموماً بخش زیادی از سهام در اختیار یک یا چند سهامدار عمده حقیقی از اعضای یک خانواده است و اعضای خانواده در پست‌های مدیریتی و عملیاتی مشغول کار هستند. ادبیات پژوهش نشان می‌دهد، اگر میزان سهم مدیران از حدی بیشتر باشد، می‌تواند این انگیزه را در آن‌ها ایجاد کند که وضعیت مالی و عملکرد مطلوب‌تری را ارائه دهند، همچنین سهامداران عمده نیز می‌توانند از طریق کنترل رفتار مدیران بر روی تصمیمات و فعالیت‌های شرکت تأثیرگذار باشند (نمازی و محمدی، ۱۳۸۹). در حالی که مطالعات اخیر نشان داده‌است، اجتناب از مالیات در شرکت‌های خانوادگی و تک مالکی به دلیل حفظ شهرت و اعتبار کمتر از شرکت‌هایی که بحث جدایی مالکیت در آن‌ها مطرح است، اتفاق می‌افتد. بر این اساس اجتناب از مالیات همیشه به نفع سهامداران نیست

8 . Wong et al.

9 . Kang

10 . Masripah et al.

11 . Friese et al.

12 . Badertscher et al.

13 . Fama and Jensen

14 . Almeida and Wolfenzon

(رضایی و جعفری نیارکی، ۱۳۹۴). خانواده‌ها از مکانیزم‌های متفاوتی برای افزایش کنترل خود بر شرکت استفاده می‌کنند و به‌جهت آن که می‌خواهند آن را به‌عنوان میراثی برای اعضاء آینده خانواده حفظ کنند، محتاط‌تر می‌باشند (مورک و یونگ<sup>۱۵</sup>، ۲۰۰۳). بنابراین این پرسش‌ها مطرح می‌شود، آیا مالکیت خانوادگی تأثیر معنادار بر رابطه سهامداران کنترلی و اجتناب‌مالیاتی شرکت دارد؟ طبق تئوری نمایندگی، تضاد منافع می‌تواند منجر به عدم‌تقارن اطلاعاتی شود (نمازی، ۱۳۸۴). یکی از راه‌های کاهش این عدم‌تقارن اطلاعاتی حضور کمیته‌حسابرسی در شرکت است (تختایی و همکاران، ۱۳۹۰). کمیته حسابرسی از اجزای ارکان راهبری بنگاه تلقی می‌شود و شرکت‌ها و سهامداران برای نظارت دقیق‌تر بر زمینه‌هایی همچون ریسک، جلوگیری از اتلاف منابع شرکت، صحت گزارشگری مالی و رعایت الزامات قانونی و مقرراتی، بر قضاوت اعضای کمیته‌حسابرسی اتکا می‌کنند (جامعی و رستمیان، ۱۳۹۵). کمیته‌حسابرسی مسئول نظارت بر حاکمیت شرکتی، فرآیند گزارشگری مالی، ساختار کنترل داخلی، عملکرد حسابرس داخلی و فعالیت‌های حسابرس مستقل است و به‌نیابت از هیئت‌مدیره و از طریق اطمینان‌بخشی نسبت به‌وظیفه پاسخگویی شرکت، از سهامداران حمایت می‌کند (حاجی‌ها و اخلاقی، ۱۳۹۲). همچنین کمیته‌حسابرسی به سهامداران کمک می‌کنند تا مطمئن شوند منافع آن‌ها در اثر انجام حسابرسی به‌حداکثر می‌رسد (اعتمادی و شفاخیری، ۱۳۹۰) و نقش مهمی در بهبود کنترل شرکت دارد (بیکر و اوسن<sup>۱۶</sup>، ۲۰۰۲). لذا وجود کمیته‌حسابرسی مستقل می‌تواند، بر فعالیت‌های اجتناب از مالیات بنگاه اثر بگذارد (فرانسیس<sup>۱۷</sup>، ۲۰۰۴) و موجب کاهش اجتناب‌مالیاتی آن شود (ریچاردسون و همکاران<sup>۱۸</sup>، ۲۰۱۳). بنابراین، این پرسش مطرح می‌شود، آیا کمیته‌حسابرسی تأثیر معنادار بر رابطه بین سهامداران کنترلی و اجتناب‌مالیاتی شرکت دارد؟

مطالعه ادبیات پژوهش کشور نشان می‌دهد، با فقدان پژوهش‌های کاربردی که به‌بررسی رابطه سهامداران کنترلی و اجتناب‌مالیاتی با توجه به اثر تعدیلی مالکیت خانوادگی و کمیته‌حسابرسی پرداخته باشند، مواجه می‌باشیم. لذا پژوهش حاضر در نظر دارد با بررسی موضوع فوق ضمن کمک به کاهش شکاف اطلاعاتی موجود در ادبیات پژوهش کشور، ابزار مفیدی را در اختیار سایر پژوهشگران قرار دهد.

## □ ۲. مبانی نظری پژوهش:

در شرکت‌ها هزینه‌مالیات بر درآمد از مهم‌ترین هزینه‌ها است و معمولاً شرکت‌ها آن را به‌عنوان هزینه‌ای که نباید پرداخت نمایند، تلقی می‌کنند. زیرا با پرداخت مالیات، نقدینگی بیشتری از شرکت خارج می‌شود و سود و وجوه‌نقد باقی‌مانده برای سایر ذی‌نفعان شرکت از جمله سهامداران کاهش

15 . Morck and Yeung

16 . Baker and Owsen

17 . Francis

18 . Richardson et al.

می‌یابد. از این‌رو، به‌طور طبیعی این انگیزه وجود دارد تا شرکت و سهامداران آن، از طریق مدیران خود اقدام به اجتناب از پرداخت مالیات نمایند (دیانتی دیلمی و شکراللهی، ۱۳۹۴).

منظور از اجتناب‌مالیاتی، تلاش در جهت کاهش مالیات‌های پرداختی می‌باشد. در واقع اجتناب از مالیات، نوعی استفاده از خلأهای قانونی در قوانین مالیاتی در جهت کاهش مالیات است (هانلون و هیتزمن، ۲۰۱۰). اجتناب از مالیات یک فعالیت گریز از مالیات بدون شکستن خطوط قوانین و درون چارچوب قوانین مالیاتی می‌باشد (اگروال<sup>۱۹</sup>، ۲۰۰۷). همچنین، اجتناب‌مالیاتی به‌عنوان انجام اقدامات قانونی به‌منظور کاهش بدهی مالیاتی شرکت تعریف می‌شود (مشایخی و سیدی، ۱۳۹۴).

اگرچه اجتناب از پرداخت مالیات یا به‌عبارتی حداقل‌سازی مالیات، منجر به افزایش وجوه باقی‌مانده برای سهامداران شرکت می‌شود، اما فعالیت‌های مربوط به اجتناب‌مالیاتی می‌تواند این فرصت را برای مدیران فراهم سازد که فعالیت‌های اجتناب‌مالیاتی را در جهت افزایش ارزش شرکت انجام ندهند و تصمیماتی را اتخاذ نمایند که با منافع ذینفعان در تضاد باشد و به‌نوعی با اقدامات فرصت‌طلبانه، منافع شخصی خود را دنبال نمایند (دیانتی دیلمی و شکراللهی، ۱۳۹۴). بنابراین، اجتناب‌مالیاتی می‌تواند انعکاسی از نظریه مسئله نمایندگی باشد. لذا، یکی از چالش‌های پیش‌روی سهامداران و هیأت‌مدیره، یافتن روش‌ها و انگیزه‌های کنترلی است تا هزینه‌های نمایندگی را به حداقل برسانند (جنسن و مک‌لینینگ<sup>۲۰</sup>، ۱۹۷۶).

دسای و ده‌رام‌پالا<sup>۲۱</sup> (۲۰۰۶) معتقدند، نحوه حاکمیت شرکت‌ها بر روی سطح اجتناب‌مالیاتی آن‌ها تاثیرگذار است. حاکمیت شرکتی ضعیف باعث افزایش در سطح اجتناب‌مالیاتی می‌شود. مارسپا و همکاران (۲۰۱۶) نشان دادند، حضور سهامداران کنترلی یکی از فاکتورهای کلیدی در زمینه حاکمیت شرکتی محسوب می‌شود که قادر است مشکل تضاد منافع مربوط به مدیران و ذینفعان را کاهش دهد. لاپارا و همکاران<sup>۲۲</sup> (۱۹۹۹) بیان نمودند، به‌همان میزان که جریان‌های نقدی در شرکت‌ها می‌تواند مهم و اثرگذار باشد، حق کنترل و حق‌رای دادن نیز برای سهامداران می‌تواند در تصمیم‌گیری‌ها اهمیت داشته‌باشد. بر این اساس، حق کنترل نوعی حق‌رای دادن به سهامداران برای تصمیم‌گیری‌های شرکت است (مارسپا و همکاران، ۲۰۱۶). مک‌گایر و همکاران (۲۰۱۲) دریافتند، هرچه میزان کنترل مدیران بیشتر شود، سطح اجتناب‌مالیاتی کاهش می‌یابد. به‌علاوه، بادر تچر و همکاران (۲۰۱۳) معتقدند، شرکت‌هایی که دارای کنترل بیشتری هستند، کمتر حاضر به پذیرش ریسک اجتناب‌مالیاتی هستند. با توجه به موارد فوق فرضیه اول به شرح ذیل مطرح می‌شود:

بین سهامداران کنترلی و اجتناب‌مالیاتی رابطه معنادار دارند.

هیأت‌مدیره متشکل از اعضاء خانوادگی، معمولاً نسبت به هیأت‌مدیره سایر شرکت‌ها، پاداش کمتری دریافت می‌کنند. اعضاء خانوادگی عضو هیأت‌مدیره معمولاً کمتر به طرح‌های انگیزشی

19 . Agrawal

20 . Jensen and Meckling

21 . Desai and Dharmapala

22 . La Porta et al.

واکنش نشان می‌دهند و بیشتر به فکر حداکثر کردن ارزش شرکت هستند. لذا براساس این دیدگاه، شرکت‌های خانوادگی نسبت به سایر انواع شرکت‌ها ارزش بیشتری ایجاد می‌کنند (مک‌کاناگی و همکاران<sup>۲۳</sup>، ۲۰۰۱). همچنین، به‌منظور ایجاد حسن‌شهرت در بلندمدت، شرکت‌های خانوادگی تشویق می‌شوند از فعالیت‌هایی نظیر مدیریت‌سود پرهیز نمایند. همچنین مالکیت خانوادگی ممکن است هزینه‌های نمایندگی و در نتیجه هزینه‌بدهی را کاهش دهد (گایدارا و همکاران<sup>۲۴</sup>، ۲۰۱۶).

در کشورهایی که بیشتر از حضور مالکیت خانوادگی بهره‌مند هستند، مالکیت خانوادگی به‌مثابه سهامداران کنترلی عمل می‌کند. در شرکت‌های خانوادگی ممکن است به‌دلیل ساختار مالکیت خاص این شرکت‌ها، حفظ منافع خانواده بر حفظ منافع سهامداران جزء ارجحیت یابد، در نتیجه به‌علت احساس می‌شود که منافع این گروه در معرض خطر به‌خصوص در بلندمدت قرار گیرد (مهرآذین و همکاران، ۱۳۹۲). الینگهام و سندمو<sup>۲۵</sup> (۱۹۷۲) بیان می‌کنند، سهامداران به‌طورمعمول انتظار دارند مدیران به‌دنبال منافع شخصی خود باشند و معتقدند تا مادامی که منافع اضافی از مساله اجتناب‌مالیات را درک نکنند، اجتناب از مالیات به نفع سهامداران نیست. هانلون و هیترمن (۲۰۱۰) بیان می‌کنند، مالکان باید انگیزه قوی‌تر نسبت به اجتناب‌مالیاتی داشته باشند. درحالی‌که در شرکت‌های خانوادگی و تک‌مالکی این مساله کمتر اتفاق می‌افتاد (هانلون و هیترمن، ۲۰۱۰). دسای و دهارماپالا (۲۰۰۶) نشان دادند، شرکت‌های خانوادگی بیشتر تمایل به نادیده گرفتن اجتناب‌مالیاتی دارند. به‌بیان‌دیگر، اگر اجتناب‌مالیاتی توسط مقامات مالیاتی تشخیص داده‌شود، شرکت مجبور به پرداخت‌های اضافی و جریمه می‌شود که باعث کاهش جریان‌های نقدی ورودی و کاهش ثروت سهامداران می‌شود (هانلون و هیترمن، ۲۰۱۰). درحالی‌که شرکت‌هایی که در آن‌ها خانواده به‌عنوان بزرگ‌ترین سهامدار می‌باشد در مقایسه با سایر شرکت‌ها بیشتر مستعد پیگیری استراتژی‌های محافظه‌کارانه می‌باشند (میلر و همکاران<sup>۲۶</sup>، ۲۰۱۱). بر این اساس، فرضیه دوم پژوهش بدین ترتیب مطرح می‌شود:

مالکیت خانوادگی، رابطه بین سهامداران کنترلی و اجتناب‌مالیاتی را تعدیل می‌کند.

کمیته‌حسابرسی یکی از ارکان اصلی نظام‌راهبری شرکتی است و همچنین یکی از مهم‌ترین کمیته‌های تخصصی هیئت‌مدیره محسوب می‌شود که موجب تقویت، سلامت و کیفیت گزارشگری مالی، بهبود کیفیت کنترل‌های داخلی، بهبود عملکرد حساب‌رسان، کمک به هیئت‌مدیره برای ایفاء مسئولیت پاسخگویی، اطمینان از انطباق فعالیت‌های شرکت با قوانین و مقررات و همچنین موجب جلوگیری از اعمال غیرقانونی مدیریت می‌شود (جامعی و رستمیان، ۱۳۹۵) و به کاهش هزینه‌های نمایندگی کمک می‌کند (ساماها و همکاران<sup>۲۷</sup>، ۲۰۱۵).

- 23 . McConaughy et al.
- 24 . Guidara et al.
- 25 . Alingham and Sandmo
- 26 . Miller et al.
- 27 . Samaha et al.

این کمیته، مدیریت‌ارشد شرکت را کنترل می‌کند و به‌عنوان بازدارنده مدیریت از زیر پا گذاردن کنترل‌های داخلی، از جمله ممانعت از تقلب مدیریت نقش موثری دارد (حاجی‌ها و اخلاقی، ۱۳۹۲). مارسپا و همکاران (۲۰۱۶) معتقدند، شهرت و استقلال کمیته‌حسابرسی موجب نظارت موثرتر بر مدیران می‌شود. بیکر و اوسن (۲۰۰۲) بیان می‌کنند، کمیته‌حسابرسی نقش مهمی در بهبود کنترل شرکت دارد. ریچاردسون و همکاران (۲۰۱۳) با بررسی ارتباط استقلال کمیته‌حسابرسی با اجتناب‌مالیاتی استدلال نمودند، هنگامی که استقلال کمیته‌حسابرسی کاهش یابد، اجتناب‌مالیاتی افزایش می‌یابد. فرانسسیس (۲۰۰۴) نشان داد، حضور کمیته حسابرسی در شرکت می‌تواند ویژگی‌های مثبت حاکمیت‌شرکتی را ترویج دهد و بر فعالیت‌های اجتناب از مالیات اثر بگذارد. مارسپا و همکاران (۲۰۱۶) بیان می‌کنند، کمیته حسابرسی برای جلوگیری از آسیب‌های احتمالی به شهرت خود از اجتناب‌مالیاتی در شرکت جلوگیری می‌کند. از این‌رو، فرضیه سوم پژوهش به‌شرح ذیل بیان می‌شود:

کمیته‌حسابرسی، رابطه بین سهامداران کنترلی و اجتناب‌مالیاتی را تعدیل می‌کند.

## ۲.۱. پیشینه پژوهش:

چایز و همکاران<sup>۲۸</sup> (۲۰۱۸) با بررسی تأثیر اطمینان بیش از حد مدیریت و اجتناب‌مالیاتی نشان دادند، اعتماد به نفس بیش از حد مدیران بر اجتناب‌مالیاتی تأثیر مثبت معنادار می‌گذارد. آن‌ها معتقدند، مدیران دارای اعتماد به نفس بیش از حد در برنامه‌ریزی‌مالیاتی خود، خالص منافع سرمایه‌گذاری را بیش از حد برآورد می‌کنند که در نتیجه موجب اجتناب‌مالیاتی می‌شود. والیو<sup>۲۹</sup> (۲۰۱۷) با بررسی تأثیر حاکمیت‌شرکتی بر اجتناب‌مالیاتی بیان می‌کند، نسبت اعضای مستقل هیات مدیره تأثیر منفی معنادار بر اجتناب‌مالیاتی شرکت دارد. همچنین کمیته‌حسابرسی، کیفیت حسابرسی و اندازه بنگاه اثر مثبت معنادار بر اجتناب‌مالیاتی بنگاه می‌گذارد. لانگلی و ویلکنز<sup>۳۰</sup> (۲۰۱۷) در پژوهش با عنوان اجتناب‌مالیاتی، تضادهای نمایندگی افقی و حسابرسی با کیفیت بالا در بنگاه‌های خصوصی نشان داد، هزینه‌های نمایندگی افقی مرتبط با ساختار مالکیت در بنگاه‌های خصوصی مانع از اجتناب‌مالیاتی می‌شود. در حالی که، حسابرسی با کیفیت ضمن بهبود تضاد نمایندگی، موجب افزایش اجتناب‌مالیاتی بنگاه‌های خصوصی می‌شود. مارسپا و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان سهامدار کنترلی و اجتناب‌مالیاتی نشان دادند، بین سهامدار کنترلی و اجتناب‌مالیاتی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. بادرترچر و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهشی با عنوان جداسازی مالکیت و کنترل و اجتناب از مالیات بر شرکت نشان دادند، جدایی مالکیت و کنترل موجب افزایش اجتناب‌مالیاتی می‌شود. فرانسسیس و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهشی با عنوان توانایی مدیریت و اجتناب‌مالیاتی نشان دادند،

28 . Chyz et al.

29 . Waluyo

30 . Langli and Willekens

بین توانایی مدیریت و اختلاف‌مالیات تشخیصی و ابرازی و نیز بین توانایی مدیریت و نرخ مؤثر مالیاتی (اجتناب مالیاتی) رابطه منفی معنادار وجود دارد.

مک‌گایر و همکاران (۲۰۱۲) در پژوهشی با عنوان بررسی رابطه تخصص مالیاتی حساب‌برسان و سطح اجتناب‌مالیاتی شرکت‌ها نشان دادند، اگر مؤسسه‌حسابرسی در امور مالیاتی تخصص داشته‌باشد، صاحب‌کاران و مشتریان آن مؤسسه بیشتر درگیر اجتناب‌مالیاتی می‌شوند. از سوی دیگر، شرکت‌هایی که مؤسسه‌حسابرسی آن‌ها متخصص صنعت است، سطح اجتناب‌مالیاتی بیشتری نسبت به سایر شرکت‌ها دارند.

چن و همکاران<sup>۳۱</sup> (۲۰۱۰) با بررسی سطح اجتناب‌مالیاتی شرکت‌های خانوادگی و غیرخانوادگی به این نتیجه رسیدند، شرکت‌های خانوادگی نسبت به رقبای غیرخانوادگی خود از پرداخت مالیات کمتر اجتناب می‌کنند.

لاری دشت بیاض و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی تأثیر ویژگی‌های کمیته‌حسابرسی بر تأخیر در گزارش حسابرسی پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد، اندازه و سابقه تشکیل کمیته‌حسابرسی و وجود اعضاء دارای تخصص مالی در کمیته‌های حسابرسی با کاهش تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی همراه است. اما، استقلال کمیته‌حسابرسی و تجربه اعضاء کمیته‌حسابرسی موجب افزایش تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی می‌گردد.

کامیابی و بوژمهرانی (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان بررسی اثر ویژگی‌های کمیته‌حسابرسی بر افشای اختیاری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران نشان دادند، بین ویژگی‌های کمیته‌حسابرسی (استقلال، تخصص مالی، تجربه و مدت تصدی سمت اعضاء کمیته‌حسابرسی و همچنین اندازه (تعداد اعضاء) کمیته‌حسابرسی) با افشای اختیاری توسط شرکت‌ها رابطه معناداری وجود ندارد.

نصیرزاده و همکاران (۱۳۹۶) با بررسی تأثیر ویژگی‌های کمیته‌حسابرسی (شامل تخصص مالی، استقلال، تجربه و اندازه کمیته‌حسابرسی) بر محافظه‌کاری شرطی نشان دادند، در مدل بال و شیواکومار ارتباط معنادار میان هر چهار ویژگی کمیته‌حسابرسی و محافظه‌کاری وجود دارد. اما در مدل باسو این ارتباط معنادار تنها بین اندازه کمیته‌حسابرسی و محافظه‌کاری مشاهده شد و رابطه معنادار بین دیگر ویژگی‌های کمیته‌حسابرسی و محافظه‌کاری یافت نشد.

جبارزاده کنگرلویی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان بررسی رابطه بین اجتناب از مالیات و ارزش شرکت با تأکید بر هزینه نمایندگی و کیفیت افشاء شرکت نشان دادند، بدون در نظر گرفتن هزینه‌های نمایندگی و کیفیت افشاء، بین اجتناب‌مالیاتی و ارزش شرکت رابطه معنی‌دار وجود ندارد. از سوی دیگر، اجتناب مالیاتی شرکت تأثیری بر هزینه‌های نمایندگی ندارد. همچنین نتایج این پژوهش نشان داد، کیفیت افشای شرکت بر رابطه اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت تأثیر دارد.

مشایخی و علی‌پناه (۱۳۹۴) با بررسی تأثیر راهبری شرکت بر رابطه بین اجتناب از مالیات و ارزش شرکت نشان دادند، با بهبود کیفیت ساختار راهبری شرکت، تأثیر مثبت فعالیت‌های اجتناب از



مالیات بر ارزش شرکت بیشتر می‌شود.

عرب‌صالحی و هاشمی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان بررسی تأثیر اطمینان بیش از حد مدیریت بر اجتناب‌مالیاتی شرکت‌ها نشان دادند، تأثیر اطمینان بیش از حد مدیریت بر اجتناب‌مالیاتی، مثبت و معنادار است.

رضایی و مشیری (۱۳۹۳) با بررسی رابطه ساختار مالکیت با اجتناب‌مالیاتی شرکت‌ها نشان دادند، بین مالکیت بلوکی و معیار اختلاف دائمی مالیات، رابطه منفی معنادار یافت شد، ولی با نرخ مؤثر مالیات نقدی رابطه معنادار یافت نشد. همچنین بین مالکیت‌نهادی و معیار اختلاف دائمی مالیات رابطه منفی معنادار مشاهده شد، درحالی‌که در روش نرخ مؤثر مالیات نقدی رابطه معناداری دیده نشد.

بهارمقدم و امینی‌نیا (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان بررسی رابطه بین تمرکز مالکیت و جسورانه‌بودن مالیات نشان دادند، هرچه تمرکز مالکیت بالاتر باشد، شرکت‌ها در اتخاذ رویه‌های مالیاتی کمتر جسورانه عمل می‌کنند.

مهرانی و سیدی (۱۳۹۳) با بررسی تأثیر مالیات بر درآمد و حسابداری محافظه‌کارانه بر اجتناب‌مالیاتی شرکت‌ها نشان دادند، بین مالیات ابرازی و محافظه‌کاری با اجتناب‌مالیاتی شرکت‌ها رابطه منفی معنادار وجود دارد.

خدای‌پور و روستایی (۱۳۹۳) با بررسی تأثیر هموارسازی درآمد مشمول مالیات بر اجتناب از مالیات و محتوای اطلاعاتی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران نشان دادند، بین هموارسازی درآمد مشمول مالیات و نرخ مؤثر مالیاتی نقدی رابطه منفی معنی‌دار وجود دارد. این نتیجه در راستای این واقعیت است که هموارسازی درآمد مشمول مالیات، عدم قطعیت مربوط به مزایای مالیاتی‌آتی را کاهش می‌دهد و این امکان را برای شرکت‌ها فراهم می‌آورد تا استراتژی اجتناب از مالیات موفق‌تری را به‌کار گیرند. همچنین نتایج گواه آن است که رابطه منفی معنی‌دار بین هموارسازی درآمد مشمول مالیات و محتوای اطلاعاتی وجود دارد و هموارسازی درآمد مشمول مالیات، محتوای اطلاعاتی آن را کاهش می‌دهد.

خانی و همکاران (۱۳۹۲) با بررسی رابطه بین تخصص حسابرس در صنعت و اجتناب‌مالیاتی نشان دادند، بین تخصص حسابرس در صنعت و اجتناب‌مالیاتی شرکت، ارتباط معنادار وجود دارد. به‌عبارت‌دیگر، شرکت‌هایی که حسابرس آن‌ها متخصص صنعت باشد دارای نرخ مؤثر مالیات و نرخ مؤثر مالیات‌نقدی کمتر و تفاوت دفتری مالیات بیش‌تر نسبت به شرکت‌هایی هستند که حسابرس آن‌ها متخصص صنعت نیست.

### ۳. روش‌شناسی و متغیرهای پژوهش:

#### ۳.۱. روش تحقیق:

تحقیق حاضر از نظر توجه به زمان گذشته‌نگر، از لحاظ هدف کاربردی و با توجه به نوع، پس‌رویدادی می‌باشد. روش تحقیق حاضر از نوع توصیفی و همبستگی است و برای بررسی رابطه میان متغیر مستقل و وابسته از روش آماری رگرسیون چند متغیره استفاده می‌شود. همچنین تجزیه و تحلیل داده‌ها براساس روش مطالعه داده‌های ترکیبی می‌باشد.

#### ۳.۲. جامعه آماری و روش نمونه‌گیری:

شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران جامعه آماری تحقیق را تشکیل خواهند داد. لذا بنگاه به عنوان سطح تجزیه و تحلیل پژوهش حاضر می‌باشد. روش نمونه‌گیری، روش حذفی بوده است، بدین ترتیب که کلیه شرکت‌های عضو جامعه آماری که دارای شرایط زیر بوده جزء نمونه آماری لحاظ شده و آن دسته از شرکت‌هایی که این شرایط را نداشته‌اند از نمونه آماری، حذف گردیده‌اند. دوره مورد مطالعه در این تحقیق از سال ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵ به مدت ۵ سال می‌باشد. شرایط برای انتخاب نمونه به شرح زیر می‌باشند:

۱. از سال ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵ در بورس حضور داشته باشند؛ ۲. اطلاعات مورد نیاز شرکت، در دسترس باشد؛ ۳. شرکت در طی دوره مورد بررسی تغییر سال مالی را تجربه نکرده باشد؛ ۴. شرکت‌های مورد نظر جزو بانک‌ها و واسطه‌گری مالی، شرکت‌های هلدینگ و لیزینگ نباشند؛ ۵. شرکت‌ها نباید در طی دوره تحقیق وقفه معاملاتی بیش از ۶ ماه داشته باشند؛ ۶. سال مالی آن‌ها منتهی به پایان اسفند ماه باشد. با اعمال محدودیت‌های فوق، نمونه‌ای شامل ۵۹۰ شرکت - سال مربوط به ۱۱۸ شرکت انتخاب گردیده است.

#### ۳.۳. متغیرها و مدل‌های پژوهش:

##### متغیر مستقل

متغیر مستقل این پژوهش، سهامدار کنترلی (*WEDGE*) می‌باشد. وجود سهامدار کنترلی، از عوامل مؤثر بر حاکمیت‌شرکتی است. در این پژوهش به پیروی از اولی و همکاران (۱۳۹۳) سهامدار کنترلی عبارت است از، سهامداری که مالکیت حداقل ۵۰ درصد از سهام دارای حق رأی شرکت را در اختیار داشته باشد. لذا اگر شرکت دارای سهامدار کنترلی باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر در نظر گرفته می‌شود.

##### متغیر وابسته

متغیر وابسته در این پژوهش اجتناب‌مالیاتی (*TaxAwd*) است. جهت محاسبه اجتناب مالیاتی از فرمول هانلون و هیتزمن (۲۰۱۰) استفاده می‌گردد. هرچه اندازه این شاخص بزرگ‌تر باشد، سطح اجتناب از مالیات شرکت کمتر است. از این رو نرخ‌های مؤثر مالیاتی محاسبه شده در عدد منفی

یک (-۱) ضرب می‌شوند.

$$TaxAvd_{i,t} = \frac{TXT_{i,t}}{P_{i,t}}$$

$TaxAvd_{i,t}$ : نرخ مالیات مؤثر بر اساس اصول پذیرفته شده حسابداری؛  
 $TXT_{i,t}$ : کل هزینه مالیاتی شرکت  $i$  برای دوره زمانی  $t$ ؛  
 $P_{i,t}$ : سود قبل مالیات شرکت  $i$  برای دوره زمانی  $t$ .

### متغیر تعدیل‌گر

مالکیت خانوادگی: در این پژوهش به تبعیت از پژوهش مهرآذین و همکاران (۱۳۹۲)، از شرط زیر برای تعریف مالکیت خانوادگی (FAMILY) استفاده می‌شود:  
یکی از اعضای هیأت‌مدیره خود به تنهایی مالک حداقل ۵ درصد سهام عادی و یا مجموع سهام عضو حقیقی هیأت‌مدیره و اعضای خانواده، حداقل ۵ درصد مجموع سهام عادی شرکت باشد. جهت جمع‌آوری داده‌های متغیر مالکیت خانوادگی از درصد مالکیت سهام شرکت از سوی اعضای خانواده و به عبارتی درصد مالکیت خانوادگی استفاده می‌شود.  
کمیته حسابرسی: برای اندازه‌گیری کمیته حسابرسی (AC) از متغیر مجازی استفاده می‌شود، بدین نحو که اگر شرکت دارای کمیته حسابرسی باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر در نظر گرفته می‌شود (ریچاردسون و همکاران، ۲۰۱۳).

### متغیر کنترلی

اندازه شرکت: اندازه شرکت  $i$  در سال  $t$  از لگاریتم طبیعی ارزش دارایی‌های شرکت به دست می‌آید که آن در مدل با نماد (SIZE) نشان داده می‌شود.  
اهرم مالی: اهرم مالی شرکت  $i$  در سال  $t$  که از تقسیم کل بدهی‌ها بر دارایی‌های شرکت به دست می‌آید و با نماد (LEV) نشان داده می‌شود.  
فرصت‌های رشد: فرصت‌های رشد شرکت  $i$  در سال  $t$  از نسبت ارزش بازار سهام عادی به ارزش دفتری سهام عادی شرکت به دست می‌آید و با نماد (GWTH) نشان داده می‌شود.  
برای آزمون فرضیه‌ها از مدل‌های زیر استفاده خواهد شد:

مدل ۱

$$TaxAvd_{i,t} = \alpha + \beta_1 WEDGE_{i,t} + \beta_2 SIZE_{i,t} + \beta_3 LEV_{i,t} + \beta_4 GWTH_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

مدل ۲

$$TaxAvd_{i,t} = \alpha + \beta_1 WEDGE_{i,t} + \beta_2 FAMILY_{i,t} + \beta_3 (WEDGE_{i,t} * FAMILY_{i,t}) + \beta_4 SIZE_{i,t} + \beta_5 LEV_{i,t} + \beta_6 GWTH_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

مدل ۳

$$TaxAvd_{i,t} = \alpha + \beta_1 WEDGE_{i,t} + \beta_2 AC_{i,t} + \beta_3 (WEDGE_{i,t} * AC_{i,t}) + \beta_4 SIZE_{i,t} + \beta_5 LEV_{i,t} + \beta_6 GWTH_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

۴. یافته‌های پژوهش:

به منظور بررسی مشخصات عمومی متغیرها و تجزیه و تحلیل دقیق آن‌ها، آشنایی با آمار توصیفی مربوط به متغیرها لازم است. جدول ۱، آمار توصیفی داده‌های مربوط به متغیرهای مورد استفاده در تحقیق را نشان می‌دهد.

جدول ۱. آمار توصیفی مربوط به متغیرهای تحقیق

متغیر	میانگین	میان	حداقل	حداکثر	انحراف معیار	چولگی	کشدگی
TaxAvd <sub>i,t</sub>	-۰/۰۹۳	-۰/۰۵۰	-۰/۶۷۵	۰/۰۰۰	۰/۱۱۱	۱/۷۶۴	۷/۱۶۴
WEDGE <sub>i,t</sub>	۰/۶۱۸	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۴۸۶	-۰/۴۸۸	۱/۲۳۸
FAMILY <sub>i,t</sub>	۰/۰۵۲	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۷۸۱	۰/۱۶۷	۰/۳۵۹	۳/۰۷۳
AC <sub>i,t</sub>	۰/۲۰۳	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۴۰۲	۱/۴۷۳	۳/۱۷۱
SIZE <sub>i,t</sub>	۶/۲۳۹	۶/۱۶۴	۴/۶۳۴	۸/۳۱۶	۰/۶۵۶	۰/۶۳۴	۳/۶۶۱
LEV <sub>i,t</sub>	۰/۶۱۷	۰/۶۰۷	۰/۰۸۸	۰/۹۴۶	۰/۲۳۷	۱/۴۳۰	۹/۴۲۴
GWTH <sub>i,t</sub>	۰/۳۳۲	۰/۲۴۴	۰/۰۱۳	۲/۴۵۰	۰/۳۱۵	۲/۳۳۸	۸/۴۰۳

FAMILY<sub>i,t</sub>: t: اندازه شرکت در سال t: FAMILY<sub>i,t</sub>: اجتناب‌مالياتی شرکت i در سال t: WEDGE<sub>i,t</sub>: سهامداران کنترلی شرکت i در سال t: TaxAvd<sub>i,t</sub>: مالکیت خانوادگی شرکت i در سال t: AC<sub>i,t</sub>: کمیته حسابرسی شرکت i در سال t: SIZE<sub>i,t</sub>: اندازه شرکت شرکت i در سال t: LEV<sub>i,t</sub>: اهرم مالی شرکت i در سال t: GWTH<sub>i,t</sub>: فرصت‌های رشد شرکت i در سال t.

مطابق با جدول ۱ میانگین نرخ مؤثر مالیاتی برای شرکت‌های نمونه حدود ۰/۰۹ می‌باشد. میانگین ۰/۶۱۸ برای متغیر سهامداران کنترلی نشان می‌دهد، حدود ۶۲ درصد شرکت‌ها دارای سهامدار کنترلی هستند. همچنین میانگین متغیر کمیته حسابرسی ۰/۲۰ بیان می‌کند، ۲۰ درصد شرکت‌ها دارای کمیته حسابرسی می‌باشند. انحراف معیار یکی از مهم‌ترین پارامترهای پراکندگی است و معیاری برای پراکندگی مشاهدات از میانگین است. مقدار این پارامتر برای متغیرهای نرخ مؤثر مالیاتی، سهامداران کنترلی و کمیته حسابرسی به ترتیب ۰/۱۱۱، ۰/۴۸۶ و ۰/۴۰۲ است.

۴.۱. آزمون نرمال بودن توزیع اجزای اخلال:

در این پژوهش از آماره جاک-برا جهت آزمون نرمال بودن توزیع اجزای اخلال مدل استفاده شده است. در صورتی که آماره این آزمون در سطح خطای ۵ درصد معنادار باشد، اجزای اخلال مدل از توزیع نرمال پیروی می‌کنند. همان‌گونه که در جدول ۲ ملاحظه می‌شود، بررسی مقدار این آماره گویای آن است که فرض نرمال بودن اجزای اخلال برقرار است.

### جدول ۲. نتایج آزمون نرمال بودن

مدل	آماره چارک-برآ	P-value	نتیجه آزمون
اول	۰/۱۱۷	۰/۹۴۲	$H_0$ تأیید می‌شود (نرمال می‌باشد)
دوم	۰/۰۳۲	۰/۹۷۹	$H_0$ تأیید می‌شود (نرمال می‌باشد)
سوم	۰/۱۸۳	۰/۹۱۰	$H_0$ تأیید می‌شود (نرمال می‌باشد)

### ۲.۴. آزمون F (لیمر) برای انتخاب روش ترکیبی (Pooling) یا تلفیقی (Panel):

اغلب برای انتخاب بین مدل ترکیبی و تلفیقی از آزمون F لیمر استفاده می‌شود. در آزمون F فرضیه  $H_0$  یکسان بودن عرض از مبدأها (روش داده‌های پانلی یا تلفیقی) قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر فرضیه ناهمسانی عرض از مبدأها (روش داده‌های پانلی یا تلفیقی) قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر فرضیه صفر آزمون بیان می‌کند، تفاوتی میان ضرایب برآورد شده برای تک تک مقاطع و ضریب برآورد شده جمعی وجود ندارد. بدین معنا که لزومی به برآورد مدل با استفاده از داده‌های تابلویی وجود ندارد.

### جدول ۳. نتایج آزمون F (لیمر) برای انتخاب روش ترکیبی یا تلفیقی

مدل	آماره F	P-value	نتیجه آزمون
اول	۱/۸۴۳	۰/۰۰۰	$H_0$ رد می‌شود
دوم	۱/۸۵۱	۰/۰۰۰	$H_0$ رد می‌شود
سوم	۱/۸۴۴	۰/۰۰۰	$H_0$ رد می‌شود

همان‌گونه که در جدول ۳ دیده می‌شود، در سطح اطمینان ۹۵ درصد، در هر ۳ مدل فرض صفر آزمون رد شده و بنابراین باید از روش داده‌های پانل استفاده نمود. لذا در مورد مدل‌ها بحث انتخاب از بین مدل‌های اثرات ثابت و تصادفی پیش می‌آید که برای این منظور از آزمون هاسمن استفاده می‌شود.

### ۳.۴. آزمون هاسمن برای انتخاب بین مدل اثرات ثابت و اثرات تصادفی:

همان‌طور که پیش از این ذکر شد در صورتی که نتیجه آزمون F برآورد مدل به روش داده‌هایی تابلویی باشد، لازم است تعیین شود که مدل به روش اثرات ثابت برآورد شود یا به روش اثرات تصادفی که برای این منظور از آزمون هاسمن استفاده می‌شود. فرضیه  $H_0$  در آزمون هاسمن، به برابری برآوردکننده هر دو روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته و متغیر مجازی اشاره دارد. نتیجه جدول ۴، بیانگر آن است که ضمن رد فرضیه صفر در هر سه مدل، باید از روش اثرات ثابت استفاده کرد.

جدول ۴. نتایج آزمون هاسمن برای انتخاب بین مدل اثرات ثابت و اثرات تصادفی

نتیجه آزمون	P-value	آماره $\chi^2$	مدل
$H_0$ رد می‌شود	۰/۰۰۰	۱۴۳/۲۰۹	اول
$H_0$ رد می‌شود	۰/۰۰۰	۱۶۳/۵۲۴	دوم
$H_0$ رد می‌شود	۰/۰۰۰	۱۵۲/۳۱۷	سوم

۴.۴. آزمون ناهمسانی واریانس:

در پژوهش حاضر برای بررسی وجود مشکل ناهمسانی واریانس از آزمون بروش-پاگان/کوک-ویسبرگ با استفاده از نرم افزار Stata استفاده شده است. مطابق با جدول ۵، در تمامی مدل‌های رگرسیون پژوهش، ناهمسانی واریانس وجود ندارد.

جدول ۵. نتایج آزمون بروش-پاگان/کوک - ویسبرگ برای کشف ناهمسانی واریانس

نتیجه آزمون	P-value	آماره $\chi^2$ بروش-پاگان / کوک - ویسبرگ	مدل
$H_0$ تأیید می‌شود	۰/۲۴۴	۱/۳۴۱	اول
$H_0$ تأیید می‌شود	۰/۱۷۸	۲/۴۰۹	دوم
$H_0$ تأیید می‌شود	۰/۰۹۴	۴/۷۰۳	سوم

۴.۵. آزمون فرضیه اول:

فرضیه اول پژوهش بیان می‌کند، بین سهامداران کنترلی و اجتناب‌مالیاتی رابطه معنادار دارند.

جدول ۶. خلاصه نتایج آماری آزمون فرضیه اول

VIF	سطح معناداری	آماره t	ضرایب	متغیر
-----	۰/۱۸۳	۱/۱۲۱	۰/۱۳۸	C
۱/۰۱۷	۰/۰۰۰	-۳/۲۴۷	-۰/۴۵۵	WEDGE <sub>it</sub>
۱/۱۲۳	۰/۰۰۰	-۵/۷۱۸	-۰/۱۵۷	SIZE <sub>it</sub>
۱/۲۳۷	۰/۰۰۰	-۲/۲۷۳	-۰/۳۵۹	LEV <sub>it</sub>
۱/۲۰۳	۰/۲۱۶	۰/۷۴۵	۰/۳۷۴	GWTH <sub>it</sub>
۱/۸۰۵	آماره دوربین واتسن		۹۵/۰۴۳	آماره F
۰/۴۴۳	ضریب تعیین		۰/۰۰۰	معناداری F

با توجه به ستون آخر جدول شماره ۶ مقدار آماره آزمون VIF برای کلیه متغیرهای مستقل نشان می‌دهد، بین متغیرهای مستقل هم‌خطی وجود ندارد. لذا مدل برازش شده دارای اعتبار می‌باشد. همچنین قبل از آزمون فرضیه پژوهش بر اساس نتایج، باید از صحت نتایج اطمینان حاصل نمود. بدین منظور برای بررسی معناداری کل مدل از آزمون F استفاده گردید. با توجه به احتمال آماره F، می‌توان ادعا کرد، مدل رگرسیونی برازش شده معنادار است. همچنین با توجه به ضریب تعیین مدل می‌توان ادعا کرد، حدود ۴۴ درصد از تغییرات در متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل مدل توضیح داده می‌شود.

ضریب برآوردی متغیر مستقل  $WEDGE_{i,t}$  در جدول ۶ نشان‌دهنده وجود رابطه منفی معنادار بین سهامداران کنترلی و اجتناب‌مالیاتی در سطح خطای ۰/۰۵ می‌باشد. همچنین عدم وجود خودهمبستگی باقیمانده‌ها از طریق آزمون دوربین-واتسون مورد بررسی قرار گرفت که نشان‌دهنده عدم وجود خود همبستگی باقیمانده‌ها می‌باشد. در ادامه، ضرایب برآوردی متغیرهای کنترلی  $SIZE_{i,t}$  و  $LEV_{i,t}$  در جدول ۶ نشان‌دهنده وجود رابطه منفی معنادار بین اندازه بنگاه و اهرم مالی با اجتناب‌مالیاتی در سطح خطای ۰/۰۵ می‌باشد.

#### ۴.۶. آزمون فرضیه دوم:

فرضیه دوم پژوهش بیان می‌کند، مالکیت خانوادگی، رابطه بین سهامداران کنترلی و اجتناب‌مالیاتی را تعدیل می‌کند.

#### جدول ۷. خلاصه نتایج آماری آزمون فرضیه دوم

VIF	سطح معناداری	آماره t	ضرایب	متغیر
-----	۰/۱۲۷	۱/۴۴۸	۰/۰۱۳	C
۱/۳۰۸	۰/۰۰۰	-۲/۲۵۴	-۰/۷۵۸	$WEDGE_{i,t}$
۱/۴۱۱	۰/۰۰۱	-۲/۴۰۵	-۰/۷۰۸	$FAMILY_{i,t}$
۱/۲۹۷	۰/۰۰۰	۶/۶۴۷-	-۰/۲۲۷	$WEDGE_{i,t} * FAMILY_{i,t}$
۱/۱۲۵	۰/۰۰۱	-۲/۳۵۰	-۰/۰۹۳	$SIZE_{i,t}$
۱/۱۱۴	۰/۰۰۰	-۳/۱۰۸	-۰/۳۰۸	$LEV_{i,t}$
۱/۱۰۸	۰/۱۱۸	۱/۳۳۵	۰/۰۱۸	$GWTH_{i,t}$
۱/۶۹۰	آماره دوربین واتسن		۱۰۱/۱۷	آماره F
۰/۴۷۲	ضریب تعیین		۰/۰۰۰	سطح معناداری F

با توجه به ستون آخر جدول شماره ۷ مقدار آماره آزمون VIF برای کلیه متغیرهای مستقل نشان می‌دهد، بین متغیرهای مستقل هم‌خطی وجود ندارد. لذا مدل برازش شده دارای اعتبار می‌باشد.

همچنین قبل از آزمون فرضیه پژوهش بر اساس نتایج، باید از صحت نتایج اطمینان حاصل نمود. بدین منظور برای بررسی معناداری کل مدل از آزمون F استفاده گردید. با توجه به احتمال آماره F، می‌توان ادعا کرد، مدل رگرسیونی برازش‌شده معنادار است. با توجه به ضریب‌تعیین مدل می‌توان ادعا کرد، حدود ۴۷ درصد از تغییرات در متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل مدل توضیح داده می‌شود.

ضریب برآوردی متغیر مستقل  $FAMILY_{i,t} * WEDGE_{i,t}$  در جدول ۷ نشان‌دهنده وجود رابطه منفی معنادار بین سهامداران کنترلی و اجتناب‌مالیاتی با توجه به نقش تعدیلی مالکیت خانوادگی در سطح خطای ۰/۰۵ می‌باشد. به بیان دیگر، مالکیت خانوادگی رابطه منفی بین سهامداران کنترلی و اجتناب‌مالیاتی را تقویت می‌کند. همچنین عدم وجود خودهمبستگی باقیمانده‌ها از طریق آزمون دوربین-واتسون مورد بررسی قرار گرفت که نشان‌دهنده عدم وجود خود همبستگی باقیمانده‌ها می‌باشد. به‌علاوه، ضرایب برآوردی متغیرهای کنترلی  $SIZE_{i,t}$  و  $LEV_{i,t}$  در جدول ۷ نشان می‌دهند، با توجه به ورود متغیر تعدیل‌گر (مالکیت خانوادگی) به‌مدل، رابطه منفی معنادار بین اندازه بنگاه و اهرم مالی با اجتناب‌مالیاتی در سطح خطای ۰/۰۵ برقرار می‌باشد.

#### ۴.۷. نتایج آزمون مدل فرضیه سوم:

فرضیه سوم پژوهش بیان می‌کند، کمیته‌حسابرسی، رابطه بین سهامداران کنترلی و اجتناب‌مالیاتی را تعدیل می‌کند.

#### جدول ۸. خلاصه نتایج آماری آزمون فرضیه سوم

VIF	سطح معناداری	آماره t	ضرایب	متغیر
-----	۰/۱۰۱	۱/۵۸۷	۰/۰۱۱	C
۲/۱۰۲	۰/۰۰۰	-۲/۷۵۱	-۰/۷۷۹	$WEDGE_{i,t}$
۱/۳۱۸	۰/۰۰۰	-۳/۴۸۵	-۰/۳۱۸	$AC_{i,t}$
۱/۲۴۴	۰/۰۰۰	-۴/۲۱۰	-۰/۳۱۹	$WEDGE_{i,t} * AC_{i,t}$
۱/۳۴۲	۰/۰۴۸	-۱/۷۰۹	-۰/۳۴۳	$SIZE_{i,t}$
۱/۲۵۵	۰/۸۷۳	-۰/۱۵۷	-۰/۲۰۸	$LEV_{i,t}$
۱/۳۰۶	۰/۷۷۴	۰/۲۸۵	۰/۰۰۶	$GWTH_{i,t}$
۱/۶۴۹	آماره دوربین واتسن		۹۵/۲۳۰	آماره F
۰/۴۲۷	ضریب تعیین		۰/۰۰۰	سطح معناداری

با توجه به‌ستون آخر جدول شماره ۸ مقدار آماره آزمون VIF برای کلیه متغیرهای مستقل نشان می‌دهد، بین متغیرهای مستقل هم خطی وجود ندارد. لذا مدل برازش شده دارای اعتبار می‌باشد.



همچنین قبل از آزمون فرضیه پژوهش بر اساس نتایج، باید از صحت نتایج اطمینان حاصل نمود. بدین منظور برای بررسی معناداری کل مدل از آزمون F استفاده گردید. با توجه به احتمال آماره  $F$ ، می‌توان ادعا کرد، مدل رگرسیونی برازش شده معنادار است. با توجه به ضریب تعیین مدل می‌توان ادعا کرد، حدود ۴۳ درصد از تغییرات در متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل مدل توضیح داده می‌شود.

ضریب برآوردی متغیر مستقل  $AC_{i,t} * WEDGE_{i,t}$  در جدول ۸ نشان‌دهنده وجود رابطه منفی معنادار بین سهامداران کنترلی و اجتناب‌مالیاتی با توجه به نقش تعدیلی کمیته‌حسابرسی در سطح خطای ۰/۰۵ می‌باشد. یعنی می‌توان ادعا کرد، کمیته‌حسابرسی موجب تقویت رابطه منفی بین سهامداران کنترلی و اجتناب‌مالیاتی می‌شود. همچنین عدم وجود خودهمبستگی باقیمانده‌ها از طریق آزمون دوربین-واتسون مورد بررسی قرار گرفت که نشان‌دهنده عدم وجود خود همبستگی باقیمانده‌ها می‌باشد. ضرایب برآوردی متغیرهای کنترلی  $SIZE_{i,t}$  و  $LEV_{i,t}$  در جدول ۸، بعد از ورود متغیر تعدیل‌گر (کمیته‌حسابرسی) به مدل، از وجود رابطه منفی معنادار بین اندازه بنگاه و اهرم‌مالی با اجتناب‌مالیاتی در سطح خطای ۰/۰۵ حکایت دارند.

## ۵. بحث و نتیجه‌گیری:

در این پژوهش به بررسی رابطه بین سهامداران کنترلی و اجتناب‌مالیاتی با توجه به نقش تعدیلی مالکیت خانوادگی و کمیته‌حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۱ الی ۱۳۹۵ پرداخته شد. لذا مطابق با ادبیات پژوهش ۳ فرضیه مطرح گردید. نتایج تحقیق نشان می‌دهند، بین سهامداران کنترلی و اجتناب‌مالیاتی رابطه منفی معنادار وجود دارد. مطابق با ادبیات پژوهش اگرچه اجتناب از پرداخت مالیات منجر به افزایش وجوه باقی‌مانده برای سهامداران شرکت می‌شود، اما فعالیت‌های مربوط به اجتناب‌مالیاتی می‌تواند این فرصت را برای مدیران فراهم سازد تا تصمیماتی را اتخاذ نمایند که با منافع ذینفعان در تضاد باشد (دیانتی‌دیلمی و شکراللهی، ۱۳۹۴). لذا، نحوه حاکمیت شرکت‌ها می‌تواند بر اجتناب‌مالیاتی به‌عنوان انعکاسی از مسئله نمایندگی تأثیرگذار باشد (دسای و ده‌ارماپالا، ۲۰۰۶). حضور سهامداران کنترلی به‌عنوان یکی از فاکتورهای کلیدی در زمینه حاکمیت‌شرکتی قانداست، ضمن کاهش مشکل تضاد منافع مربوط به مدیران و ذینفعان (مارسیپا و همکاران، ۲۰۱۶)، سطح اجتناب‌مالیاتی را در بنگاه کاهش داده (مک‌گایر و همکاران، ۲۰۱۲) و شرکت را از پذیرش ریسک اجتناب‌مالیاتی دور ننماید (بادرتچر و همکاران، ۲۰۱۳). نتایج حاضر با پژوهش‌های مارسیپا و همکاران (۲۰۱۶) و مک‌گایر و همکاران (۲۰۱۲) سازگار می‌باشد.

همچنین یافته‌های حاصل از آزمون فرضیه دوم پژوهش نشان می‌دهد، رابطه منفی معنادار بین سهامداران کنترلی و اجتناب‌مالیاتی با توجه به نقش تعدیلی مالکیت خانوادگی وجود دارد. به بیان دیگر، مالکیت خانوادگی رابطه منفی بین سهامداران کنترلی و اجتناب‌مالیاتی را تقویت می‌کند. ادبیات پژوهش بیان می‌کند، در کشورهایی که بیشتر از حضور مالکیت خانوادگی بهره‌مند هستند،

مالکیت خانوادگی به‌مثابه سهامداران کنترلی عمل می‌کند (مهرآذین و همکاران، ۱۳۹۲). هیأت‌مدیره متشکل از اعضاء خانوادگی بیشتر به فکر حداکثر کردن ارزش شرکت هستند (مک‌کاناگی و همکاران، ۲۰۰۱). همچنین، به‌منظور ایجاد حسن‌شهرت در بلندمدت، شرکت‌های خانوادگی تشویق می‌شوند از فعالیت‌هایی نظیر مدیریت‌سود پرهیز نمایند (گایدارا و همکاران، ۲۰۱۶) و با اتخاذ استراتژی‌های محافظه‌کارانه (میلر و همکاران، ۲۰۱۱)، بیشتر تمایل به نادیده گرفتن اجتناب‌مالیاتی دارند (دسای و ده‌ارماپالا، ۲۰۰۶). هانلون و هیتزمن (۲۰۱۰) بیان می‌کنند، مالکان باید انگیزه قوی نسبت به اجتناب‌مالیاتی داشته باشند. درحالی‌که در شرکت‌های خانوادگی و تک‌مالکی این مساله کمتر اتفاق می‌افتاد. چراکه، اگر اجتناب‌مالیاتی توسط مقامات مالیاتی تشخیص داده‌شود، شرکت مجبور به پرداخت‌های اضافی و جریمه می‌شود که باعث کاهش جریان‌های نقدی ورودی و کاهش ثروت سهامداران می‌شود. یافته‌های این پژوهش با نتایج پژوهش‌های گذشته سازگار می‌باشد (میلر و همکاران، ۲۰۱۱؛ هانلون و هیتزمن، ۲۰۱۰؛ دسای و ده‌ارماپالا، ۲۰۰۶).

نتایج حاصل از آزمون فرضیه سوم نشان می‌دهد، رابطه منفی معنادار بین سهامداران کنترلی و اجتناب‌مالیاتی با توجه به نقش تعدیلی کمیته‌حسابرسی وجود دارد. یعنی می‌توان ادعا کرد، کمیته‌حسابرسی موجب تقویت رابطه منفی بین سهامداران کنترلی و اجتناب‌مالیاتی می‌شود. کمیته‌حسابرسی به‌عنوان یکی از ارکان اصلی نظام‌راهبری شرکتی و یکی از مهم‌ترین کمیته‌های تخصصی هیئت‌مدیره موجب اطمینان از انطباق فعالیت‌های شرکت با قوانین و مقررات و همچنین جلوگیری از اعمال غیرقانونی مدیریت می‌شود (جامعی و رستمیان، ۱۳۹۵). همچنین این کمیته با نظارت بر مدیریت‌ارشد در بهبود کنترل شرکت و ممانعت از تقلب مدیریت نقش موثری دارد (بیکر و اوسن، ۲۰۰۲؛ حاجی‌ها و اخلاقی، ۱۳۹۲). ادبیات پژوهش نشان می‌دهد، با کاهش استقلال کمیته‌حسابرسی اجتناب‌مالیاتی افزایش می‌یابد (ریچاردسون و همکاران، ۲۰۱۳). لذا حضور کمیته حسابرسی در شرکت می‌تواند ضمن ترویج ویژگی‌های مثبت حاکمیت شرکتی (فرانسیس، ۲۰۰۴)، از اجتناب‌مالیاتی در شرکت جلوگیری نماید (مارسیپا و همکاران، ۲۰۱۶). یافته‌های پژوهش حاضر با پژوهش مارسیپا و همکاران (۲۰۱۶) سازگار می‌باشد. در ادامه با توجه به نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه شده است:

الف. به‌مدیران، سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان پیشنهاد می‌شود با توجه به‌تأثیر مالکیت شرکت به‌ویژه از حیث خانوادگی بودن و یا نبودن آن‌ها بر اجتناب‌مالیاتی، در تصمیم‌گیری‌های خود به ساختار مالکیت شرکت توجه نمایند. به‌ویژه، لازم است تمهیداتی برای ارتقای فرهنگ مالکیت خانوادگی اندیشه‌شود. ب. به سیاست‌گذاران و استاندارداران گذاران حسابداری پیشنهاد می‌شود با توجه به نقش کمیته‌حسابرسی بر رفتار اجتناب از مالیات شرکت، برای مدت خدمت اعضای کمیته حسابرسی یک دوره ثابت و مناسب (از ۲ تا ۵ سال) را به‌منظور اطمینان از ثبات کاری اعضاء در کمیته حسابرسی و اثر بخشی بیشتر آن‌ها تعیین نمایند. ج. پیشنهاد می‌شود به منظور ارتقای عملکرد کمیته حسابرسی، اصول حاکمیت شرکتی مربوط به آن مستحکم‌تر شود و با تأکید بیشتر و قوانین سخت‌گیرانه‌تر از جانب بورس اوراق بهادار تهران، شرکت‌ها به رعایت منشور کمیته‌حسابرسی

ترغیب شوند و بر فعالیت‌های اعضای کمیته حسابرسی نظارت بیشتری اعمال شود، تا این کمیته کار خود را به‌طور دقیق و مناسب انجام دهد.

با توجه به نتایج تحقیق و سئوالاتی که طی انجام آن برای محققین مطرح شد، جهت تکمیل این تحقیق و انجام تحقیقات بیشتر در حوزه‌های مرتبط با این تحقیق پیشنهادهای ذیل ارائه می‌شود:

الف. در پژوهش حاضر به بررسی سهام موجود در بازار بدون توجه به صنعت آن‌ها پرداخته شد، لذا به‌نظر می‌رسد بررسی موضوع بر اساس صنعت می‌تواند اطلاعات مفیدی در این خصوص فراهم آورد. ب. در پژوهش حاضر متغیرهای تحقیق در یک بازه زمانی ۵ ساله و در یک نمونه ۱۱۸ شرکتی مورد بررسی قرار گرفتند. لذا بررسی موضوع در یک بازه زمانی طولانی‌تر و با نمونه بزرگ‌تر می‌تواند مفید باشد. ج. در این پژوهش تنها از یک روش از میان چندین شیوه اندازه‌گیری اجتناب از مالیات پرداخته‌شد. لذا استفاده از سایر روش‌ها در افزایش تعمیم‌پذیری نتایج مفید خواهد بود.

## □ منابع

- ۱- اعتمادی، حسین و شفاخبری، نصیبه (۱۳۹۰). «تأثیر جریان‌های نقد آزاد بر مدیریت سود و نقش کمیته‌حسابرسی در آن». فصلنامه حسابداری مالی، سال ۳، شماره ۱۰، صص ۴۲-۱۸.
- ۲- اولی، محمدرضا، قائمی اصل، مهدی، امین زادگان، سعیده و عظیمی، الناز (۱۳۹۳). «تحلیل رابطه حاکمیت شرکتی و ارزش افزوده اقتصادی در بورس اوراق بهادار تهران». فصلنامه حسابداری مدیریت، سال ۷، شماره ۲۱، صص ۷۰-۵۹.
- ۳- بهارمقدم، مهدی و امینی‌نیا، میثم (۱۳۹۳). «بررسی رابطه بین تمرکز مالکیت و جسورانه بودن مالیات». فصلنامه پژوهش‌های حسابداری مالی، سال ۶، شماره ۴، صص ۳۶-۲۳.
- ۴- تختائی، نصراله، تمیمی، محمد و موسوی، زهرا (۱۳۹۰). «نقش کمیته‌حسابرسی در کیفیت گزارشگری مالی». حسابدار رسمی، شماره ۴۵، صص ۵۶-۴۵.
- ۵- جامعی، رضا و رستمیان، آزاده (۱۳۹۵). «تأثیر تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی بر ویژگی‌های سود پیش‌بینی شده». پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، سال ۸، شماره ۹۲، صص ۱۱-۱.
- ۶- جبارزاده کنگرلویی، سعید، بهنمون، یعقوب، بهزادی، نهاد و شکوری، سمیرا (۱۳۹۵). «بررسی رابطه بین اجتناب از مالیات و ارزش شرکت با تأکید بر هزینه نمایندگی و کیفیت افشای شرکتی». فصلنامه راهبرد مدیریت مالی، دوره ۴، شماره ۳، صص ۴۸-۲۵.
- ۷- حمیدیان، محسن (۱۳۹۶). «بررسی ابعاد مختلف راهبری شرکتی با اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران». فصلنامه دانش سرمایه‌گذاری، دوره ۶، شماره ۲۳، صص ۲۴۳-۲۲۹.
- ۸- حاجی‌ها، زهره و اخلاقی، حسنعلی (۱۳۹۲). «بررسی تأثیر ویژگی‌های هیأت مدیره بر ساختار سررسید بدهی شرکت». فصلنامه حسابداری مدیریت، دوره ۶، شماره ۱۷، صص ۷۴-۵۹.
- ۹- خانی، عبدالله، ایمانی، کریم و ملایی، مهنام (۱۳۹۲). «بررسی رابطه بین تخصص حسابرس در صنعت و اجتناب مالیاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران». دانش حسابرسی، دوره ۱۳، شماره ۵۱، صص ۷۸-۶۱.

- ۱۰- خدای پور، احمد و روستایی، شکوفه (۱۳۹۳). «بررسی ارتباط بین هموارسازی درآمد مشمول مالیات با اجتناب از مالیات و محتوای اطلاعاتی آن». فصلنامه دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، دوره ۳، شماره ۱۰، صص ۳۵-۴۶.
- ۱۱- دیان‌تی دیلمی، زهرا و شکراللهی، پریسا (۱۳۹۴). «بررسی تأثیر نظام راهبری شرکتی بر رابطه بین اجتناب مالیاتی و ارزش و میزان نگهداشت وجه نقد». پژوهش‌های تجربی حسابداری، دوره ۴، شماره ۱۵، صص ۳۹-۶۲.
- ۱۲- رضایی، فرزین و جعفری‌نیارکی، روح‌اله (۱۳۹۴). «رابطه بین اجتناب مالیاتی و تقلب در حسابداری شرکت‌ها». پژوهشنامه مالیات، دوره ۲۳، شماره ۲۶، صص ۱۳۴-۱۰۹.
- ۱۳- رضایی، فرزین و مشیری، حسین (۱۳۹۳). «بررسی رابطه ساختار مالکیت با اجتناب مالیاتی شرکتها». کنفرانس بین‌المللی حسابداری، اقتصاد و مدیریت مالی، تهران.
- ۱۴- عرب‌صالحی، مهدی و هاشمی، مجید (۱۳۹۴). «تأثیر اطمینان‌بخش از حد مدیریتی بر اجتناب مالیاتی». فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۲۲، شماره ۱، صص ۱۰۴-۸۵.
- ۱۵- کامیابی، یحیی و بوژمهرانی، احسان (۱۳۹۶). «بررسی اثر ویژگی‌های کمیته‌حسابرسی بر افشای اختیاری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران». دانش حسابرسی، دوره ۱۷، شماره ۶۷، صص ۱۶۳-۱۴۷.
- ۱۶- کامیابی، یحیی، بوژمهرانی، احسان و محمدی، پویان (۱۳۹۵). «بررسی رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و شکاف بین حق کنترل و حق مالکیت سهامدار کنترل‌کننده نهایی». راهبرد مدیریت مالی، دوره ۴، شماره ۱۵، صص ۶۵-۴۵.
- ۱۷- کرمی، شیماء، رهنمای رودپشتی، فریدون و دیان‌تی دیلمی، زهرا (۱۳۹۵). «ارزیابی اثر اجتناب مالیاتی بر آگاهی بخشی سودهای گزارش شده شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران». فصلنامه حسابداری مدیریت، دوره ۹، شماره ۲۸، صص ۳۷-۱۵.
- ۱۸- لاری دشت بیاض، محمود، قناد، مصطفی و فکور، حسین (۱۳۹۷). «ویژگی‌های کمیته حسابرسی و تأخیر در گزارش حسابرسی». پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، سال ۱۰، شماره ۳۷، صص ۲۴۱-۲۱۵.
- ۱۹- مشایخی، بیبا و سیدی، سیدجلال (۱۳۹۴). «راهبری شرکتی و اجتناب مالیاتی». مجله دانش حسابداری، سال ۶، شماره ۲۰، صص ۱۰۳-۸۳.
- ۲۰- مشایخی، بیبا و علی‌پناه، صبری (۱۳۹۴). «تأثیر راهبری شرکتی بر رابطه بین اجتناب از مالیات و ارزش شرکت». فصلنامه پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، دوره ۷، شماره ۲۵، صص ۷۰-۵۵.
- ۲۱- مصلی‌نژاد، آرزو و حسنی، زهرا (۱۳۹۶). «حاکمیت شرکتی، مشوق‌ها و اجتناب مالیاتی». مجله مدیریت، اقتصاد و حسابداری، شماره ۳۲، جلد ۱، صص ۱۰۷-۹۰.
- ۲۲- مهران، ساسان و سیدی، سیدجلال (۱۳۹۳). «بررسی تأثیر مالیات بر درآمد و حسابداری محافظه‌کارانه بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها». فصلنامه دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، دوره ۳، شماره ۱۰، صص ۲۳-۱۳.
- ۲۳- مهرآذین، علیرضا، قبدیان، بشیر، فروتن، امید و تقی‌پور، محمد (۱۳۹۲). «مالکیت خانوادگی و غیرخانوادگی شرکت‌ها و مدیریت سود». فصلنامه دانش حسابرسی، دوره ۱۳، شماره ۳۲، صص ۱۷۳-۱۵۱.

- ۲۴- نصیرزاده، فرزانه، اورادی، جواد و رجبعلی‌زاده، جواد (۱۳۹۶). «تأثیر ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر محافظه‌کاری شرطی». دانش حسابداری، دوره ۱۷، شماره ۶۸، صص ۱۰۵-۸۳.
- ۲۵- نمازی، محمد و محمدی، محمد. (۱۳۸۹). «بررسی کیفیت سود و بازده شرکت‌های خانوادگی و غیرخانوادگی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران». مجله پیشرفت‌های حسابداری دانشگاه شیراز، دوره دوم، شماره ۲، صص ۱۹۴-۱۵۹.
- ۲۶- نمازی، محمد. (۱۳۸۴). «بررسی کاربردهای تئوری نمایندگی در حسابداری مدیریت». مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره ۲۲، شماره ۴۳، صص ۱۶۴-۱۴۷.
1. Agrawal, K.K. (2007). "Corporate tax planning". Vol. 1, 6th Ed., 3-11.
  2. Alingham, M.G. and Sandmo. A. (1972). "Income Tax evasion: A theatrical analysis". Journal of Public Economics, 1 (3-4), 323-338.
  3. Almeida, H.V., and Wolfenzon, D. (2006). "A Theory of Pyramidal Ownership and Family Business Groups". Journal of Finance, 61(6), 2637-2680.
  4. Badertscher, B.A., Katz, S.P., and Rego, S.O. (2013). "The separation of ownership and control and corporate tax avoidance". Journal of Accounting and Economics, 56 (2-3), 228-250.
  5. Baker, C.R., and Owsen, D.M. (2002). "Increasing the role of auditing in corporate governance". Critical Perspectives on Accounting, 13 (5-6), 783-795.
  6. Breandle, C. and Noll, J. (2006). "On the Convergence of National Corporate Governance System". Journal of Interdisciplinary Economics, 17 (1-2), 201-224.
  7. Chen, S., Chen, X., Cheng, Q., and Shevlin, T. (2010). "Are Family Firm more Tax Aggressive than Non-family Firm?". Journal of financial Economics, 95 (1), 41-61.
  8. Chyz, J., Gaertner, F.B., Kausar, A. and Watson, L. (2018). "Overconfidence and Aggressive Corporate Tax Policy". Available at <https://ssrn.com/abstract=2408236> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.2408236>.
  9. Desai, M.A., and Dharmapala, D. (2006). "Corporate tax avoidance and high-powered incentives". Journal of Financial Economics, 79 (1), 145-179.
  10. Francis, J.R. (2004). "What do we know about audit quality?". The British Accounting Review, 36 (4), 345-368.
  11. Francis, B., Sun, X. and Wu, Q. (2013). "Managerial Ability and Tax Aggressiveness". Available at [http://www.efmaefm.org/0EFMAMEETINGS/EFMA%20ANNUAL%20MEETINGS/2018-Milan/papers/EFMA2018\\_0268\\_fullpaper.pdf](http://www.efmaefm.org/0EFMAMEETINGS/EFMA%20ANNUAL%20MEETINGS/2018-Milan/papers/EFMA2018_0268_fullpaper.pdf).

12. Friese, A., Simon, L., and Mayer, S. (2008). "Taxation and corporate governance the state of the art". MPI Studies on Intellectual Property, Competition and Tax Law, 3, 357-425.
13. Graham, J.R., and Tucker, A. (2006). "Tax Shelters and Corporate Debt Policy". Journal of Financial Economics, 81 (3), 563-594.
14. Gravile, J.G. (2009). "Tax Havens: International Tax Avoidance and Evasion". National Tax Journal, 62 (4), 727-753.
15. Guidara, A., Achek, I. and Dammak, S. (2016). "Internal Control Weaknesses, Family Ownership and the Cost of Debt: Evidence from the Tunisian Stock Exchange". Journal of African Business, 17 (2), 23-44.
16. Hanlon, M. and Heitzman, S. (2010). "A review of tax research". Journal of Accounting and Economics, 50 (2-3), 127-178.
17. Jensen, M., and Meckling, W. (1976). "Theory of the firm: managerial behavior, agency costs and ownership structure". Journal of Financial Economics, 3 (4), 305-360.
18. Kang, M., Lee, H.U., Lee, M.G. and Park, J.C. (2014). "The Association between Related-Party Transactions and Control-Ownership Wedge: Evidence from Korea". Pacific-Basin Finance Journal, 29 (September), 272-296.
19. Langli, J.C. and Willekens, M. (2017). "Tax Avoidance, Horizontal Agency Conflicts and High-Quality Auditing in Private Firms". Available at <https://www.nhh.no/globalassets/departments/accounting-auditing-and-law/seminar-papers/tax-avoidance-6.10.2017.pdf>.
20. La Porta, R., DeSilanes, F.L., and Shleifer, A. (1999). "Corporate ownership around the world". The Journal of Finance, 54 (2), 471-517.
21. Masripah, M., Diyanty, V., and Fitriyani, D. (2016). "Controlling Shareholder and Tax Avoidance: Family Ownership and Corporate Governance". International Research Journal of Business Studies, 8 (3), 167-180.
22. McConaughy, D.L., Matthews, C.H. and Fialko, A.S. (2001). "Founding Family Controlled Firms: Performance, Risk, and Value". Journal of Small Business Management, 39 (1), 31-49.
23. McGuire, Sean T., Thomas C. Omer and Dechun Wang. (2012). "Tax Avoidance: Does Tax-Specific Industry Expertise Make a Difference?". The Accounting Review, 87 (3), 975-1003.
24. Miller, D., Le Bretton-Miller, I. and Lester, R. ) 2011(. "Family and Lone

- Founder Ownership and Strategic Behavior: Social Context, Identity and Institutional Logics”. *Journal of Management Studies*, 48 (1), 1–25.
25. Morck, R., and Yeung, B. (2003). “Agency Problems in Large Family Business Groups”. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 27 (4), 367–382.
26. Noor, R.M., Fadzillah, N.S., and Mastuki, N.A. (2010). “Corporate Tax Planning: A Study on Corporate Effective Tax Rates of Malaysian Listed Companies”. *International Journal of Trade, Economics and Finance*, 1(2), 189-193.
27. Richardson, G., Taylor, G., and Lanis, R. (2013). “The impact of board of director oversight characteristics on corporate tax aggressiveness: an empirical analysis”. *Journal of Accounting and Public Policy*, 32 (3), 68-88.
28. Samaha, K., Khlif, H., and Hussainey, K. (2015). “The Impact of Board and Audit Committee Characteristics on Voluntary Disclosure: A Meta-Analysis”. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 24, 13-28.
29. Waluyo, W. (2017). “The Effect of Good Corporate Governance on Tax Avoidance: Empirical Study of the Indonesian Banking Company”. *The Accounting Journal of Binaniaga*, 2 (2), 1-9.
30. Wong, Y.J., Chen, S.C. and Chen, L.Y. (2010). “Does a Family-controlled Firm Perform Better in Corporate Venturing?”. *Corporate Governance: An International Review*, 18 (3), 175-192.